

باید اعتراف کرد همان‌طور که تماشای ویدئوی سقوط یک هواپما یا تخریب یک ساختمان را نوعی جذابیت هولناک همراه است، مشاهده عملکرد دولت ترامپ در سیاست خارجی آمریکا هم همین احساس را برمی‌انگیزد. ما در ردیف اول نمایش بزرگ‌ترین انحلال داوطلبانه جایگاه و نفوذ ژئوپلیتیکی یک قدرت بزرگ در تاریخ مدرن نشستیم‌ایم. نتایج آن هم چشمگیر و نگران کننده است، اما نگاه برداشتن از آن تقریباً غیرممکن است. و هنوز حتی هشت ماه هم نگذشته.

آن‌قدر رویدادهای رخ بد داده که حتی کارشناسان تمام‌وقت سیاست خارجی هم برای پیگیری همه آن‌ها دچار مشکل می‌شوند. اصلاً به‌عنوان یک خدمت عمومی، امروز فهرست ۱۰ ستیابه بزرگ دولت ترامپ در سیاست خارجی (تا اینجا) را ارائه می‌کنم.

۱. جنگ تجاری بسیار بد، و هشتاک و زیان‌بار

من طرفدار مطلق تجارت آزاد نیستم و می‌دانم که در برخی موارد دلایل موچی برای محدود کردن تجارت بین‌المللی از طریق تعرفه یا اقدامات دیگر وجود دارد. اما حمله نامنظم، متناقض و بی‌دلیل دونالد ترامپ به نظم تجاری جهانی به شکلی مدیریت‌شده، هم‌زمان به آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر آسیب می‌رساند. اگرچه واکنش بازارها تا این لحظه به دلایل مختلف ملایم بوده، اما مالیات بستن بر واردات خارجی همین حالا رشد اقتصادی آمریکا و جهان را کاهش داده، تورم را افزایش داده، تولید صنعتی آمریکا را به دلیل گران‌تر شدن مواد اولیه وارداتی مختل کرده و بسیاری از کشورها را به خشم آورده است. این سیاست همچنین با برخی دیگر از اهداف دولت مغایر است: درخواست از متحدان برای افزایش هزینه‌های دفاعی و هم‌زمان ضربه زدن به اقتصاد آن‌ها کاری متناقض و زیان‌بار است. علاوه بر این، استفاده از تعرفه‌ها برای تنبیه کشورهای صرماً به دلیل اینکه رهبران‌شان رئیس‌جمهور زودرنج آمریکا را آزرده‌اند، ایالات متحده را شبیه یک قلدر اتمام‌چو نشان می‌دهد. نظام مدیریت‌شده و مبتنی بر قواعد برای آزادسازی اقتصاد جهانی، یکی از چشمگیرترین دستاوردهای سیاست خارجی دوره پس از جنگ جهانی دوم است و یکی از دلایل آن که بینشگر آمریکایی‌ها امروز زندگی بهتری نسبت به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایشان دارند. آیا این نظام بی‌نقص است؟ خیر. آیا نیاز به نگهداری و اصلاحات سسن‌چیده گام‌به‌گام دارد؟ قطعاً. اما چیزی که مطلقاً نیاز ندارد، آتش‌سوی ویرانگر از نوعی است که ترامپ برافروخته است:دیوکردی که هم از نظر اقتصادی بی‌سودانده است و هم از نظر ژئوپلیتیکی آبلهانه.

۲. طمع برای گرینلند، کانادا و شاید بیشتر

چچه نوع نایفه راهبردی از پیش و علناً اعلام می‌کند که می‌خواهد سرزمینی را تصاحب کند که آشکارا متعلق به کشور دیگری است؟ پیشنهاد ترامپ برای تبدیل کانادا به ایالت پنجاهویکم و سیاست تعرفه‌ای تنبیهی او علیه آن کشور – که بالاتر توضیح داده شد – به شکست نامزد طرفدار ترامپ در آخرین انتخابات کانادا کمک کرد و شاید جامعه‌ای را که بیش از یک قرن همسایه‌ای فوق‌العاده خوب برای آمریکا بود، برای همیشه بیگانه ساخت.

تأمیل نادرست او برای به دست آوردن گرینلند نیز نه از نظر راهبردی و نه اقتصادی معنایی ندارد، اما روابط با دانمارک را – که پیش‌تر یکی از طرفدارترین کشورهای اروپایی نسبت به آمریکا بود – به هم ریخت. دیگر این‌طور نیست. یک نظرسنجی اخیر از یک روزنامه دانمارکی نشان داد که ۴۱ درصد دانمارکی‌ها اکنون آمریکا را تهدید می‌دانند. آیا ترامپ متوجه است که تضعیف هنجارگرانه موجود علیه چنین رفتار آمریکاییستی در اقدامات غارتگرانه مشابه ازسوی دیگران را خواهد گشود؟ پاسخ روشن است: نه، او متوجه نیست.

۳. متصد کردن دیگران علیه آمریکا

میزبانی باکو از اجلاس خاخام‌های یهودی، تلاشی آشکار برای گسترش توافق ابراهام و عادی‌سازی حضور رژیم صهیونیستی در جهان اسلام است؛ اقدامی ضداسلامی که پیامدهای خطرناک منطقه‌ای به همراه دارد.

به تازگی گزارش‌های متعددی منتشر شده که نشان می‌دهد «الهام علی‌اف» رئیس‌جمهوری آذربایجان قصد دارد در میانه آبان‌ماه میزبان هفتادمین سالگرد اجلاس خاخام‌های صهیونیست اروپایی باشد؛ اجلاسی که گفته می‌شود نزدیک به ۵۰۰ تن از خاخام‌های یهودی از سراسر جهان در آن حضور خواهند داشت. براساس اعلام رسانه‌های یهودی و صهیونیستی، این نشست قرار است از ۴ تا ۶ نوامبر (۱۲ تا ۱۵ آبان) در باکو برگزار شود و احتمال حضور رسمی نمایندگانی از رژیم صهیونیستی نیز در آن وجود دارد.

این گروه‌های که با عنوان «کنوانسیون هفتادمین سالگرد سازمان مذهبی یهودیان جهان» برگزار می‌شود، بنا دارد به موضوعاتی چون گسترش «توافق‌نامه‌های ابراهام» توافقی که پنج سال پیش در دولت ترامپ به صلح‌سازی میان رژیم اسرائیل و چهار کشور عربی منجر شد و همچنین موضوعاتی نظیر آزادی مذهب و مقابله با یهودستیزی در اروپا بپردازد. برگزارکننده این اجلاس، «۱۳۳۵ خاخام‌های ارتدکس اروپا» است که از سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵ش) فعالیت می‌کند و اکنون بیش از ۲۰۰ رهبر مذهبی یهودی از جوامع مختلف اروپا را تحت پوشش دارد.

این نخستین بار است که چنین اجلاسی در یک کشور مسلمان و با هدف آشکار ترویج یهودیت صهیونیست برگزار می‌شود؛ اقدامی که نه تنها در داخل جمهوری آذربایجان، حساسیت‌برانگیز خواهد بود، بلکه بی‌شک واکنش منفی امت اسلامی، حامیان فلسطین و ملت‌های آزاده جهان را نیز برخواهد انگیزخت.

به گزارش خبرگزاری مهر در همین ارتباط «علی‌اکبر ولایتی» مشاور امور بین‌الملل رهبری برگزاری اجلاس خاخام‌های صهیونیست در یک کشور مسلمان را «بسیار مایه تعجب و تأسف» دانست. وی این اقدام را «ضد اسلامی» توصیف و تأکید کرد که امیدوار است اصل این خبر صحت نداشته باشد.

وی همچنین تصریح کرد: «این نخستین بار است که چنین خطی شکستی توسط حکومت آذربایجان انجام می‌شود. به نظر می‌رسد هدف اصلی این اجلاس، گسترش توافق ابراهیم و کشاندن جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهای مسلمان

اشتباه بزرگ سیاست خارجی ترامپ تاکنون

✱استفان ام. والت

✱فارن پالیسی

جلوه می‌دهد. معنای دیگر آن این است که آمریکا آینده تولید انرژی‌های تجدیدپذیر را به کشورهایی مانند چین واگذار می‌کند؛ کشوری که به دلیل کمبود انرژی‌های سبز مسلط است و احتمالاً در آینده نیز جایگاه برتر را در این عرصه‌ها حفظ خواهد کرد. برای ندیدن حماقت چنین اقداماتی، نوع خاصی از ناپیایی لازم است اما متأسفانه این دولت از نزدیک‌بینی چیزی کم سنا و دیوانه‌گری کنونی‌ش از تلاش ترامپ برای

در نتیجه، تمایل بیشتری به پذیرش بدهی آمریکا و استفاده از دلار به‌عنوان ارز ذخیره جهانی خواهند داشت.

وقتی سیاستمداران کنترل سیاست پولی را به دست می‌گیرند – همان‌طور که رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه انجام داد یا رهبران مختلف آرژانتین در گذشته کرده‌اند – نتایج معمولاً فاجعه‌بار است. اگر جمهوری‌خواهان سنا و دیوانه‌گری کنونی‌ش از تلاش ترامپ برای

در نتیجه، تمایل بیشتری به پذیرش بدهی آمریکا و استفاده از دلار به‌عنوان ارز ذخیره جهانی خواهند داشت. وقتی سیاستمداران کنترل سیاست پولی را به دست می‌گیرند – همان‌طور که رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه انجام داد یا رهبران مختلف آرژانتین در گذشته کرده‌اند – نتایج معمولاً فاجعه‌بار است. اگر جمهوری‌خواهان سنا و دیوانه‌گری کنونی‌ش از تلاش ترامپ برای

سیاسی کردن فدرال رزرو حمایت کنند، آن‌گاه جان رابرتز، رئیس دیوان عالی، و همکارانش قضایی خواهند یافت.

۹. نهادینه کردن بی‌کفایتی

این اشتباهات درسایست خارجی ترامپ تعجب‌آور نیست، زیرا او عمداً افرادی را که سمت‌های مهم منصوب کرده که نه صلاحیت لازم برای مسئولیت‌های خود دارند، نه تجربه‌ای در اداره سازمان‌های بزرگ، و نه به‌خاطر دانش حرفه‌ای بلکه صرفاً به دلیل وفاداری شخصی به رئیس‌جمهور انتخاب شده‌اند.

مشکل این است که این اقدامات نیمه‌تصادفی جنگی هیچ هدف راهبردی ملموسی به بار نمی‌آورند.حوتی‌ها همچنان سرسخت‌اند، برنامه هسته‌ای ایران نابود نشد، و جریان مواد مخدر غیرقانونی از آمریکای لاتین هم با این نمایش سیاسی غیرقانونی قطع نخواهد شد. تلاش‌های موازی ترامپ برای تبدیل ارتش آمریکا به ابزاری برای سرکوب داخلی نیز باید همه آمریکایی‌ها را نگران کند؛ هم به‌دلیل تهدیدی که برای آزادی می‌دهد. این‌ها همان افراد بی‌دبیتی هستند که استفاده از گارد ملی و دیگر منابع نظامی در آمریکا یا تلاش برای تغییر نام وزارت دفاع، ایالات متحده ناگهان امن‌تر، قوی‌تر و شکوفاتر خواهد شد.

می‌دانم چه فکری می‌کنید. با توجه به برخی نوشته‌های دیگرم، شاید گمان کنید من از نابود کردن «بوروکراسی سیاست خارجی» خوشحال می‌شوم و بنابراین از تلاش برای پاکسازی وزارت خارجه، اخراج افسران ارشد نظامی و مقامات عالی‌الطاعتی، و فشار بر بسیاری از کارمندان غیرسیاسی برای استعفا استقبال خواهم کرد.اما همان‌طور که پیش‌تر گفتم، مشکلات اصلی سیاست خارجی اخیر آمریکا، به‌ویژه شکست پولی ایالات متحده تابع ازسوی کارشناسان غیرسیاسی در خدمات مدنی

۷. نمایش‌های بی‌فایده از قدرت نظامی

ترامپ را می‌توان به‌خطر احتیاط در پرهیز از «جنگ‌های بی‌پایان» که جورج دبلیو. بوش رئیس‌جمهور پیشین را به دام انداخت و باراک اوباما هم نتوانست از آن بگریزد، ستود. اما او علاقه دارد از نیروی هوایی در کارزارهای کوتاه خارج دشمنان استفاده کند که توانایی تلافی آسان علیه آمریکا را ندارند؛ مانند ایران، حوتی‌ها در یمن یا یک قایق کوچک حامل قاچاقچیان مواد مخدر در کارائیب.

مشکل این است که این اقدامات نیمه‌تصادفی جنگی هیچ هدف راهبردی ملموسی به بار نمی‌آورند.حوتی‌ها همچنان سرسخت‌اند، برنامه هسته‌ای ایران نابود نشد، و جریان مواد مخدر غیرقانونی از آمریکای لاتین هم با این نمایش سیاسی غیرقانونی قطع نخواهد شد. تلاش‌های موازی ترامپ برای تبدیل ارتش آمریکا به ابزاری برای سرکوب داخلی نیز باید همه آمریکایی‌ها را نگران کند؛ هم به‌دلیل تهدیدی که برای آزادی می‌دهد. این‌ها همان افراد بی‌دبیتی هستند که استفاده از گارد ملی و دیگر منابع نظامی در آمریکا یا تلاش برای تغییر نام وزارت دفاع، ایالات متحده ناگهان امن‌تر، قوی‌تر و شکوفاتر خواهد شد.

می‌دانم چه فکری می‌کنید. با توجه به برخی نوشته‌های دیگرم، شاید گمان کنید من از نابود کردن «بوروکراسی سیاست خارجی» خوشحال می‌شوم و بنابراین از تلاش برای پاکسازی وزارت خارجه، اخراج افسران ارشد نظامی و مقامات عالی‌الطاعتی، و فشار بر بسیاری از کارمندان غیرسیاسی برای استعفا استقبال خواهم کرد.اما همان‌طور که پیش‌تر گفتم، مشکلات اصلی سیاست خارجی اخیر آمریکا، به‌ویژه شکست پولی ایالات متحده تابع ازسوی کارشناسان غیرسیاسی در خدمات مدنی

۸. تلاش برای از اختیار گرفتن فدرال رزرو

تلاش ترامپ برای برکناری جروم پاول رئیس فدرال رزرو، و لیزا کوک عضو هیئت‌مدیره، شاید در ظاهر موضوعی صرفاً داخلی به نظر برسد، اما پیامدهای بزرگی برای سیاست اقتصادی خارجی آمریکا دارد. یک بانک مرکزی مستقل و قابل‌اعتماد باعث افزایش اعتماد خارجی‌ها می‌شود که سیاست فشار علیه ایران استفاده کند. برگزاری منافع شخصی یا هوس‌های رئیس‌جمهور نیست؛

فکر نمی‌کنم دیدگاه‌های او درباره پایان دادن به جنگ اوکراین کاملاً نادرست باشد. آرزو می‌کردم اوضاع طور دیگری بود، اما او درست می‌گوید که اوکراین در آینده قابل پیش‌بینی همه سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را بازپس نخواهد گرفت و یک توافق صلح باید به برخی (نه همه) از دلایلی پردازد که روسیه را به آغاز این جنگ غیرقانونی واداشت. همچنین باید تضمین شود که تجاوزاتی‌های روسیه از سر گرفته نخواهد شد.

اما باور ترامپ که می‌تواند با تحت فشار گذاشتن رهبران اوکراین و دلجویی از ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه جنگ را پایان دهد، در بهترین حالت سدامدلوحاله بود. آن نشست آماده‌نشده، شرم‌آور و در نهایت بی‌معنای او با پوتین در آلاسکا یادآوری شرم‌آور دیگری بود مبنی بر این که ترامپ یک مذاکره‌کننده بی‌احتیاط و ناشی است که بیش از آن که به پیشرفت واقعی در مسیر صلح علاقه‌مند باشد، دنبال جلب توجه است.

فکر نمی‌کنم دیدگاه‌های او درباره پایان دادن به جنگ اوکراین کاملاً نادرست باشد. آرزو می‌کردم اوضاع طور دیگری بود، اما او درست می‌گوید که اوکراین در آینده قابل پیش‌بینی همه سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را بازپس نخواهد گرفت و یک توافق صلح باید به برخی (نه همه) از دلایلی پردازد که روسیه را به آغاز این جنگ غیرقانونی واداشت. همچنین باید تضمین شود که تجاوزاتی‌های روسیه از سر گرفته نخواهد شد.

اما باور ترامپ که می‌تواند با تحت فشار گذاشتن رهبران اوکراین و دلجویی از ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه جنگ را پایان دهد، در بهترین حالت سدامدلوحاله بود. آن نشست آماده‌نشده، شرم‌آور و در نهایت بی‌معنای او با پوتین در آلاسکا یادآوری شرم‌آور دیگری بود مبنی بر این که ترامپ یک مذاکره‌کننده بی‌احتیاط و ناشی است که بیش از آن که به پیشرفت واقعی در مسیر صلح علاقه‌مند باشد، دنبال جلب توجه است.

فکر نمی‌کنم دیدگاه‌های او درباره پایان دادن به جنگ اوکراین کاملاً نادرست باشد. آرزو می‌کردم اوضاع طور دیگری بود، اما او درست می‌گوید که اوکراین در آینده قابل پیش‌بینی همه سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را بازپس نخواهد گرفت و یک توافق صلح باید به برخی (نه همه) از دلایلی پردازد که روسیه را به آغاز این جنگ غیرقانونی واداشت. همچنین باید تضمین شود که تجاوزاتی‌های روسیه از سر گرفته نخواهد شد.

فکر نمی‌کنم دیدگاه‌های او درباره پایان دادن به جنگ اوکراین کاملاً نادرست باشد. آرزو می‌کردم اوضاع طور دیگری بود، اما او درست می‌گوید که اوکراین در آینده قابل پیش‌بینی همه سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را بازپس نخواهد گرفت و یک توافق صلح باید به برخی (نه همه) از دلایلی پردازد که روسیه را به آغاز این جنگ غیرقانونی واداشت. همچنین باید تضمین شود که تجاوزاتی‌های روسیه از سر گرفته نخواهد شد.

فکر نمی‌کنم دیدگاه‌های او درباره پایان دادن به جنگ اوکراین کاملاً نادرست باشد. آرزو می‌کردم اوضاع طور دیگری بود، اما او درست می‌گوید که اوکراین در آینده قابل پیش‌بینی همه سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را بازپس نخواهد گرفت و یک توافق صلح باید به برخی (نه همه) از دلایلی پردازد که روسیه را به آغاز این جنگ غیرقانونی واداشت. همچنین باید تضمین شود که تجاوزاتی‌های روسیه از سر گرفته نخواهد شد.

فکر نمی‌کنم دیدگاه‌های او درباره پایان دادن به جنگ اوکراین کاملاً نادرست باشد. آرزو می‌کردم اوضاع طور دیگری بود، اما او درست می‌گوید که اوکراین در آینده قابل پیش‌بینی همه سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را بازپس نخواهد گرفت و یک توافق صلح باید به برخی (نه همه) از دلایلی پردازد که روسیه را به آغاز این جنگ غیرقانونی واداشت. همچنین باید تضمین شود که تجاوزاتی‌های روسیه از سر گرفته نخواهد شد.

فکر نمی‌کنم دیدگاه‌های او درباره پایان دادن به جنگ اوکراین کاملاً نادرست باشد. آرزو می‌کردم اوضاع طور دیگری بود، اما او درست می‌گوید که اوکراین در آینده قابل پیش‌بینی همه سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش را بازپس نخواهد گرفت و یک توافق صلح باید به برخی (نه همه) از دلایلی پردازد که روسیه را به آغاز این جنگ غیرقانونی واداشت. همچنین باید تضمین شود که تجاوزاتی‌های روسیه از سر گرفته نخواهد شد.

۴. نمایش مشروعیّت و جایگاه بین‌المللی: رژیم صهیونیستی در پی بحران‌های داخلی و بحران مشروعیّت، همواره به دنبال صحنه‌های بین‌المللی برای نمایش حضور خود بوده است.

میزبانی یک کشور مسلمان از اجلاسی با مشارکت نمایندگان هر چیز به هویت اسلامی و شیعی جمهوری آذربایجان لطمه

در بیشتر حوزه‌های علم، فناوری و آموزش حفظ شود به‌ویژه اگر بدانید چین تا چه اندازه سخت در تلاش است تا از آمریکا پیشی بگیرد.

کاری که نباید انجام دهید این است که بودجه فدرال برای تحقیقات علمی را کاهش دهید، دانشگاه‌های آمریکا را با اتهامات ساختگی یک بازی با نام ترامپ هم در آن هست) هدف قرار دهید، دانشجویان خارجی را از تحصیل در این مراکز دلسرد کنید و آمریکا را برای دانشمندانی که مشتاق فعالیت علمی هستند، به مکانی کم‌جاذبه‌تر بدل کنید.

با این حال، دقیقاً همین کاری است که دولت ترامپ انجام داده است. آسیب‌ها شاید بلافاصله آشکار نشود، اما گسترده، پایدار و دشوار برای جبران خواهد بود.

این ده مورد را کنار هم بگذارید، تصویری از نابودی سیستماتیک چیزی به دست می‌آید که همکار قدیمم جوزف نای به شهرت «قدرت نرم» توصیفش می‌کرد. نای استدلال می‌کرد که قدرت نرم پیش از هر چیز «قدرت جذب» است. این‌که جامعه‌ای باشید که دیگران آن را تحسین کنند، بخواهند دست‌کم در برخی زمینه‌ها از آن الگو بگیرند، شما را به‌طور کلی خیرخواه و نه الگو به‌هاجم خودخواه ببینند، و کشوری که نام ارزش‌ها یا آرمان‌های مشترک گسترده باشد قدرت نرم جایگزین قدرت سخت نمی‌شود، اما باعث می‌شود دیگر کشورها داوطلبانه از رهبری آمریکا پیروی کنند و در نتیجه، استفاده از قدرت سخت کمتر ضروری گردد.

چین می‌کوشد قدرت نرم بیشتری در کنار قدرت سخت رو به رشدش به دست آورد، عمدتاً با تلاش برای متقاعد کردن دیگران که واقعاً متعهد به یک نظم جهانی عادلانه‌تر و پکن را باور کنید تا درک کنید که این پیام در بخش‌های زیادی از جهان شنونده همدل خواهد داشت.

اما آمریکا در پاسخ چه می‌کند؟ تحت سیاستهای دولت ترامپ، آمریکا تعرفه‌های تنبیهی بر کشورهای دیگر به دلایل گوناگون و تقریباً تصادفی و بدون توجه به پیامدها اعمال می‌کند. به‌طور غیرقانونی به کشورهای دیگر و کشتی‌های غیرنظامی حمله می‌کند و به بحث‌ناشن برای کشتن ده‌ها هزار غیرنظامی بی‌گناه، از جمله کودکان، کمک می‌رساند. تیمش تنها مرتکبان چنین جنایاتی را تحریم نمی‌کند، بلکه مقامات دادگاه کیفری بین‌المللی را که درحال تحقیق درباره این اقدامات هستند، هدف ترقیبی قرار می‌دهد. در داخل کشور، دستور اعزام نیرو به خیابان‌های پایتخت را صادر کرده، مردم را بدون طی فرآیند قانونی بازداشت و اخراج می‌کند و قوانین را به شیوه‌های بی‌شمار دیگری نقض می‌نماید، و در همین حال، رئیس‌جمهور خود و خانواده‌اش را گرومندترین می‌سازد، شورشیان را تجلیل می‌کند و کسانی را که کوشیدند آنان را باسخت‌گو کنند، مجازات می‌نماید. تنها دیگر مستبدان باقوه هستند که این اقدامات را تحسین خواهند کرد یا می‌خواهند تقلید و دنبال کنند.

بسیاری از روسای جمهوری در آغاز اشتباهات ناشیانه‌ای مرتکب می‌شوند و عملکردشان با گذشت زمان بهتر می‌شود؛ زیرا بی‌کفایت‌ترین مقامات اخراج می‌شوند و باقی‌مانده یای می‌گیرند که وظایف خود را مؤثرتر انجام دهند. اما این نخستین دوره تاریخ نیست. او اکنون مس‌تر از نظر ذهنی انتعاف‌ناپذیرتر است و از اکتون و تیمش این بار به شکل غیرعادی‌ای در برابر واقعیت، شواهد، منطق وایدگیری مقاوم به نظر می‌رسد. این بدان معناست که این فهرست اشتباهات سیاست خارجی در طول زمان بسیار طولانی‌تر خواهد شد.

✱استفان ام.والث: متولد ژوئیه ۱۹۵۵،

دانشمند علوم سیاسی آمریکایی و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد و از مدافعان «رویکرد واقع‌گرایانه تلافیی» است. نظرات پیشگیری از جنگ‌های گسترده وی، از موارد بحث‌انگیز کنونی آکادمیک محسوب می‌شود.

✱استفان ام.والث: متولد ژوئیه ۱۹۵۵،

دانشمند علوم سیاسی آمریکایی و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد و از مدافعان «رویکرد واقع‌گرایانه تلافیی» است. نظرات پیشگیری از جنگ‌های گسترده وی، از موارد بحث‌انگیز کنونی آکادمیک محسوب می‌شود.

✱استفان ام.والث: متولد ژوئیه ۱۹۵۵،

دانشمند علوم سیاسی آمریکایی و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد و از مدافعان «رویکرد واقع‌گرایانه تلافیی» است. نظرات پیشگیری از جنگ‌های گسترده وی، از موارد بحث‌انگیز کنونی آکادمیک محسوب می‌شود.

✱استفان ام.والث: متولد ژوئیه ۱۹۵۵،

دانشمند علوم سیاسی آمریکایی و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد و از مدافعان «رویکرد واقع‌گرایانه تلافیی» است. نظرات پیشگیری از جنگ‌های گسترده وی، از موارد بحث‌انگیز کنونی آکادمیک محسوب می‌شود.

✱استفان ام.والث: متولد ژوئیه ۱۹۵۵،

دانشمند علوم سیاسی آمریکایی و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد و از مدافعان «رویکرد واقع‌گرایانه تلافیی» است. نظرات پیشگیری از جنگ‌های گسترده وی، از موارد بحث‌انگیز کنونی آکادمیک محسوب می‌شود.